

برای مذاکرات با پاکستان از چه در باید وارد شد

قرارداد مذاکرات صلح بین مقامات افغانستان و پاکستان آغاز گردد این اقدام بعد از آن روی دست گرفته شد که آقای ربانی رئیس کمیسیون صلح در اثر یک حمله انتحاری از طرف قاصدی که از نام گروه طالبان خود را معرفی میکرد به قتل رسید، به اثر فشارهای بعضی از گروه ها و محافل، گفتگوها با گروه طالبان قطع و تصمیم اتخاذ گردید که بااصل منبع که ترویزم صادر میکند مذاکره آغاز گردد، قبل از اینکه به این موضوع بپردازم کمی در مورد گفتگوهای که در مورد مشابه در جهان جریان دارد روشنی اندازم.

یکی از داغترین مسئله امروز در جهان مسئله گفتگوی فلسطین با اسرائیل است که از چندین دهه مذاکرات جریان دارد ولی نتیجه ملموسی از آن نه تنها بدست نیامده بلکه فلسطینی ها اراضی خود را هم از دست داده و هر روز شهرک های اسرائیل دامنه اش را وسیعتر میسازد، که در عقب آن عواملی است که در مواردی با مذاکرات صلح که از طرف آقای کرزی با پاکستان قرار است آغاز شود شباهت دارد.

فلسطین کشوری است که بصورت تاریخی و از دوران روم باستان به ناحیه ای گفته میشود که بین بحر مدیترانه و کرانه های رود اردن واقع شده است. فلسطین در دوران های حتی قدیم به ناحیه محدود تر در کنار مرز بحر مدیترانه اطلاق می شد، من طور فشرده به تحولات در این منطقه می پردازیم و می بینیم که تلاشهای صلح در این منطقه چه به ارمغان آورده است.

زمانیکه آقای «جیمی کارتر» در سال ۱۹۷۶ رئیس جمهور امریکا شد یکی از فعالیت های گسترده ای را در کنترل تسلیحات اتمی در کارنامه کاری اش به ثبت رسانید. دفاع از حقوق بشر یکی دیگر از نگرانی های کارتر به حساب می آید نمونه بارز این کار وی در حمایت از سیاست برتانیه برای خاتمه دادن به قتل عام در «زیمبا بوه» بود. میانجیگری در اولین تلاش برای برقراری صلح میان فلسطینی ها و اسرائیلی ها که به پیمان «کمپ دیوید» میان مصر و اسرائیل منتهی شد، از جمله دستاورد های سیاست خارجی کارتر به حساب می آید. اصول قرار داد «کمپ دیوید» که شامل هشت ماده قرار ذیل بود:

۱- نیروهای صهیونیستی باید ظرف مدت سه سال پس از عقد پیمان از صحرای سینا عقب بنشینند. این امر در وضعی صورت می گرفت که بسیاری از سرزمینهای کشورهای دیگر در خط مقدم، از جمله بلندیهای جولان متعلق به سوریه، نوار غزه و حاشیه غربی رود اردن درکشوردن، در اشغال رژیم صهیونیستی قرار داشت، که در قرار داد یاد شده فوق هیچ اشاره ای به باز پس گیری آنها نشده بود. در حقیقت اصل اول این قرار داد نشان می داد که صلح مورد ادعای انورالسادات تنها مختص مصر بوده است، نه کشورهای دیگر خط مقدم، و این به آن معنی بود که مصر از همه مسئولیتهایی که در قبال اعراب داشت و خود نیز ادعای آن را پیوسته مطرح می کرد، سرباز زده و منافع خود را بر منافع جهان عرب ترجیح داده بود.

۲- لزوم برقراری روابط دوستانه و روابط کامل دیپلماتیک بین طرفین، که این اصل مبین این نکته بود که موجودیت اسرائیل که از بدو پیدایش هیچگاه به صورت کشوری با مبانی حقوقی و قانونی از سوی جهان سوم پذیرفته نشده بود به دست انورالسادات رسماً شناسایی می شد. این مسئله بزرگترین ضربه ای بود که یک کشور اسلامی و عربی می توانست به مبارزات چند دهه همه مبارزان آزادی سرزمینهای اشغالی وارد آورد.

۳- اصل شناسایی تمامیت ارضی فلسطین و عرب بود. در حقیقت این اصل همه تجاوزگریهای صهیونیستها را برای اشغال و غصب سرزمینهای اسلامی و عربی، نادیده می گرفت و سرزمینهایی را که تروریستهای صهیونیست با کشتار فلسطینیان به چنگ آورده بودند، جزء مالکیت کشور مجهول الهویه اسرائیل قلمداد می کرد.

۴- پیمان «کمپ دیوید» خواستار نیروهای استقرار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در منطقه مرزی سینا بود.

۵- عبور و مرور کشتیهای رژیم صهیونیستی را از «کانال سوئز» مجاز می شمرد و این کشور را از نیمه محاصره ای که قبل از آن وجود داشت، خارج می ساخت.

۶- شروع مذاکرات درباره خود مختاری فلسطینیان در نوار غزه و ساحل غربی رود اردن به فاصله یک ماه بعد از عقد قرارداد صورت گیرد. این مذاکرات به موقع آغاز شد، اما هیچگاه به انتها نرسید.

۰ - انتخابات برای تعیین یک دولت خود مختار در نوار غزه و ساحل غربی رود اردن، و سپس یک عقب نشینی ۵ ساله نظامی و غیر نظامی، توسط اشغالگران صهیونیستی می بایست صورت میگرفت. اما این اصل نیز همچون اصل خود مختاری فلسطینیان هیچ گاه به نتیجه نرسید.

قرار بود یک کمیسیون به منظور رسیدگی به کلیه ادعاهای مالی بین طرفین تشکیل شود. این اصل نیز پس از گذشت یکی دو سال از عقد پیمان کمپ دیوید منجر به گسترش یک جاذبه رابطه اقتصادی رژیم صهیونیستی با مصر شد و سرمایه گذاران اسرائیلی برای جذب سرمایه های مصر و کسب سود از نیروی کار و شرایط اقتصادی مصر راهی این سرزمین شدند.

مناقشه اسرائیل و فلسطین همچنان بی نتیجه ماند و هرگز به جای نرسید و جنگهای سنگ و تفنگ در مقابل تانک و طیاره علیه اسرائیل همچنان دوام یافت، بالاخره در سال ۲۰۰۲ طرح جهت رفع مناقشات اسرائیل و فلسطین بنام «نقشه راه برای صلح» از طرف کشورهای امریکا اتحادیه اروپا، روسیه و سازمان ملل متحد پیشنهاد شد که هدف آن تشکیل دو کشور فلسطین و اسرائیل در کنار هم و خلع سلاح گروه های فلسطینی و آزادی اسرای فلسطینی و اسرائیلی بود در شورای امنیت سازمان ملل متحد تصویب شد که از طرف محمود عباس نیز پذیرفته شد ولی این طرح هم کار را دوام نداد و جنگ همچنان ادامه داشت، اسرائیل به تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ حوالی ساعت ۱۱:۳۰ به وقت محلی حمله بالایی نوار غزه را آغاز کرد که در روز اول این جنگ کشتار وحشیانه صورت گرفت که بی سابقه در جنگ عرب و اسرائیل بود، عامل جنگ توافق قبلی که بین اسرائیل و ۱۲ گروه شبه نظامی به امضاء رسیده بود ولی همچنان اسرائیل توافقات رانقض میکرد و فلسطینیان نیز که در محاصره اقتصادی و مواد سوختی قرار داشتند مجبور به راکت پراکنی بودند این جنگ بعد از سه هفته خاموش شد ولی غزه دیگر به ویرانه تبدیل شده بود.

به اساس ابتکار فلسطینیها درخواست از طرف محمود عباس مبنی به رسمیت شناختن کشور فلسطین از طرف سازمان ملل در اواخر ماه سپتامبر ۲۰۱۱ به سازمان ملل تقدیم شد ولی قبلاً از طرف امریکا سردمدار حقوق بشر در مورد «ویتو» آن به عباس اخطار داده شده و سر نوشت این پیشنهاد معلوم نیست اما یک عده کشورها عضو سازمان امنیت از این پیشنهاد حمایت کرده است اما به خطر «ویتو» امریکا مواجه است زمانیکه عباس پس از ارایه پیشنهاد به فلسطین بازگشت از وی منحنی یک قهرمان استقبال بعمل آمد.

آنچه در بالا گفته شد به این نتیجه میرسیم که چرا این جنگ که بیش از شصت سال از آن میگذرد هنوز پایان نیافته است. اسرائیل یک کشوری که فعلاً نفوس آن به هفت میلیون نفر میرسد و به مثل یک کتله کوچک در یک بحر در بین کشورهای عرب قرار دارد، اما به اساس بی اتفاقی اعراب و رژیم های مزدور و عدم توان مندی لازم جنگی و امکانات فلسطینی ها این ماجرا همچنان پایان ناپذیر است، این همه مثال ها در مورد افغانستان نیز صدق میکند که یکی از علل اساسی تداوم جنگ در افغانستان همچنان بی اتفاقی در بین اقوام و مذاهب مختلف ساکن میهن ما و خوش خدمتی ها به کشورهای همسایه و کشورهای مختلف جهان است، که از طرف کشورهای همسایه در وجود یک عده و ظن فروش به شکلی از اشکال تلاشهای صلح سبوتاژ شده و به نتیجه نرسیده است چنانچه تلاش صلح داکتر نجیب الله که به «موافقتنامه ژنیو» میان پاکستان و افغانستان انجامید ولی هیچ وقت تحقق نیافت چنانچه زمامداران فعلی هم در سبوتاژ آن به نفع پاکستان دست داشتن و نفاق ذات البینی میان تنظیم ها هم به نیت شوم پاکستان کمک کرد.

از هم پاشیدن اردو قدرتمند افغانستان به اشاره و مشاوره پاکستان که نواز شریف با غرور و شهامت افتخارات آنرا به خود اختصاص می دهد ضربه محکمی به پیکر جنگ دیده کشور ویران ما زد، اما رهبران آن وقت که عبارت بودند از جمعیت اسلامی، شورای نظار و گلبدین و غیره هرگز به نسبت نداشتن تجارب در سیاست و حکومت داری و درک معقول از عملکرد و نیت این غده سرطانی (پاکستان) چه در زمانیکه این گروه های مجاهدین در پاکستان بودند و چه در قدرت در کابل پی نبردند.

اکنون که یک حکومت بی کفایت و آلوده به فساد به حمایت و پشتوانه کشورهای غربی در افغانستان و به اساس مصلحت ها بالای مردم افغانستان تحمیل شده است و هرگز در طول این ده سال شیوه درست حکومت داری را نیاموختند و همیشه در پی منافع گروهی خود بودند هیچ گونه توجه لازم در مورد تشکیل یک ارگان امنیتی قوی با امکانات وسیع نائل نیامده است، سازمان امنیت ما معلوم نیست که مصروف چکار میباشند گرفتن چند نفر مسلح هرگز بیانگر کار و فعالیت یک ارگان امنیتی شده نمی تواند بلکه این کاریک جز فرعی ارگان امنیت است و وظایف یک ارگان امنیت نفوذ در اعماق دشمن و کشف پلانه های آن از نتفه است و همچنان در صورت ضرورت ضربه وارد کردن بلمثل به دشمنان یکی از شیوه های موثر در کار است که چنین توان را ارگان امنیت افغان هرگز ندارد.

حال که تصمیم بر آن است تا باب مذاکرات با کشور پاکستان باز شود ما از کدام دروازه باید وارد این مذاکرات شویم چنانچه تاجائیکه تجربه و گذشت زمان نشان داده است پاکستان امریکا را به همان سازمان جاسوس نامدارش فریب داده و همیشه زیر پریش آن کار که منافع کشورشان را تأمین میکند انجام داده است. افغانستان با داشتن چنان ارگان امنیت که هنوز مورد اعتماد رئیس جمهور نیست چه خواهد کرد؟ تروویست که آقای ربانی را بقتل رسانید مطابق کدام پرنسیپ امنیتی جهان در حالیکه حملات انتہاری به اوج خود رسیده است، وی از طرف افراد غیر مسلکی امنیتی مهماننوازی میبشد ایا آقا کرزی چطور به کمیسیون صلح چنین صلاحیت داده افراد را که از خارج کشور می آیند جهت مذاکره آنرا افراد که وظیفه امنیتی و جاسوسی را بوی نمی برند مهماننوازی کند، کار مهماننوازی، کنترل مخفی و نیمه علنی کار ارگان امنیت است، و چرا از طرف ریاست امنیت کشور و یا مشاور امنیتی برای آقای کرزی در مورد مشاوره

لازم داده نشده است، آیا آقای کرزی این رامی داند زمانیکه وارد یکی از کشورهای غربی میشود که از نگاه امنیت پرابلم هم وجود ندارد و رئیس جمهور بر حال هم است بآنهم از خدمه طیاره و میدان هوایی گرفته تا پیش خدمت هوتل و محل اقامت و در پیرو باغبان و تمامی افراد که در محل اقامت کار میکنند یا از ارگان امنیت و یا اجنیت های وابسته به ارگان امنیت میباشد.

یکی از دلایلی که ارگان امنیت ما با چنین مسائل نا آشنا میباشد موجودیت سازمان های جاسوسی فعال امریکا و ناتو در کشور ما است، که برای مخفی نگاه داشتن اعمال ارگان های جاسوسی خویش هیچ گاه هم علاقه به تقویۀ ارگان امنیتی افغان را نداشته و ندارد، و هم رئیس امنیت ملی معلوم است که شخص غیر مسلکی بوده و صرف مورد اعتماد آقای کرزی قرار دارد، اگر آقای کرزی علاقه دارد که در کشور امنیت تأمین گردد به یک ارگان امنیتی از پلانهای شوم و نفوذ جواسیس دشمن جلوگیری بعمل آید به ارگان امنیت مسلکی و باصلاحیت نیاز مبرم وجود دارد.

بر میگردیم به همان گفته قبلی که عبارت از مذاکرات با پاکستان است اکنون اگر دولت کابل با پاکستان مذاکره میکند چون پاکستان در یک موقف قوی قرار دارد کاملاً مبرهن است که خواستهای را مطرح خواهد کرد که قبول کردن آن به قیمت نقض ارزشهای ملی کشور ما تمام خواهد شد بناً این مذاکرات هیچگاه نتیجۀ ملموس نخواهد داشت پس برای اینکه این مذاکرت نتیجه لازم در قبال داشته باشد لازم است:

۱- تصفیۀ کامل و سنجیده شده تمام دستگاه دولت از جواسیس یکی از اساسی ترین اصل رسیدن به صلح است.
۲- متقاعد ساختن جامعه جهانی و به خصوص امریکا جهت وارد آوردن فشارهای اقتصادی جدی و همه جانبه در مورد پاکستان جهت تحکیم صلح در افغانستان در غیر آن صورت این صورت افغانستان به فلسطین دوم تبدیل خواهد شد.

۳- اگر امریکا و ناتو واقعاً مقاصد شوم در افغانستان ندارند باید جهت تحکیم صلح در افغانستان و محور تروریسم باید فشارهای اقتصادی و تحریم های موثر بر کشور پاکستان اعمال نماید.

۴- کشور هندوستان بحیث یک قدرت بزرگ منطقه ئی که از سیاست های نا مشخص و جیونانه افغانستان در مورد پاکستان دل خوش ندارد، باید همکاری این کشور حتی در ساحت امنیتی و کشف پلانهای شوم پاکستان جلب و رابطه تبادل اطلاعات بین این دو کشور طور محرمانه ایجاد شود حتی مسئله عقد یک پیمان ستراتژیک با کشور هندوستان مورد بررسی قرار گیرد.

۵- دولت بایدارگان امنیت دولتی را جذاً تقویه نماید وساحه آنرا به خارج از مرزیه خصوص در پاکستان توسعه دهد.
۶- ارگان های امنیت ملی افغانستان با ایجاد گروپ های اجنیتی در پاکستان تدارک عکس العمل بلمثل را جستجو کنند و آمده وارد آوردن ضربات تلافی جویانه سازند.

۷- از آن جا که در فوق متذکر شدم که چرا در فلسطین صلح برقرار نمی شود علت آن این است که توان ضربه زدن متقابل از داخل به اسرائیل را ندارد، حمایت از گروپهای جدای طلب پاکستان میتواند یک شیوه خوب دیگر باشد بخاطر رسیدن به صلح.

۸- در چنین شرایط که افغانها توان جنگ در برابر تعرضات پاکستان ندارند عملیات های از طرف ارگان امنیت بهترین گزینه پنداشته میشود.

به این ترتیب کمر پاکستان میده میشود و به مذاکرات صلح تن در میدهد و ما بیک جنگ رویا روی هیچگاه هم ضرورت نداریم کماکان در شرایط فعلی توان آنرا هم نداریم، در غیر آن صورت با گدائی نمیتوان صلح کمائی کرد دولت پاکستان هیچگاهی حاضر نخواهد شد که بدون رسیدن به اهداف اش که سالها در آن مورد سرمایه گذاری نموده است به صلح تن در دهد این کار به یک رهبری خردمند، با جرأت و وطن پرست و پرکار ضرورت دارد.
اتفاق ملی و حمایت از منافع ملی کنار گذاشتن منافع فردی و گروهی بخصوص در مسائل ملی و از همه مهمتر در خصوص پاکستان و ایران کار همه احزاب و سیاسیون، علمای دین نویسندگان تمام اقشار و طبقات جامعه کثیر المللیتی ما در داخل و خارج از کشور است.

پایان